

به خواست‌های غرب نسبت به شرق اروپا داشت. اگرچه یلتسین تهدید کرده بود دخالت ناتو، روسیه را به یک جنگ اروپای یا جهانی می‌کشاند. ظاهراً کسی این تهدیدها را جدی نگرفت. در بحران اکراین، اتحادیه اروپا در مقابل روسیه توانست حداقلی از هماهنگی را نشان دهد.

از همه‌ی این‌ها مهم‌تر، بیسلیمی اشاره می‌کند اتحادیه‌ی اروپا علی‌رغم نزدیکی ژئواستراتژیک کوزوو، نسبت به وضعیت بحرانی این کشور بی‌توجه بوده است. (Bislimi, 2012) این درحالی‌است که اتحادیه‌ی اروپا همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، مدتی بعد از پایان جنگ سرد وارد یک سری روابط قراردادی با اکراین شد تا ثبات، دموکراسی و ادغام این کشور در اتحادیه را تسهیل کند. نکته‌ی بسیار مهم دیگر این‌است که کوزوو به شرایط بعد از بحران رسیده است. اقداماتی که تحت عنوان حفظ صلح بعد از صلح‌سازی انجام می‌شود در کوزوو قابل‌بررسی است، درحالی‌که این موارد را در کریمه نمی‌توان بررسی کرد. کریمه از کنترل اتحادیه اروپا خارج است. وضعیت اکراین نیز از منظر دولت‌سازی با کوزوو تفاوت دارد چراکه نهادهای حاکمیتی در اکراین به قوت خود باقی مانده و در اثر بحران دچار فروپاشی نشده‌اند، درحالی‌که وضعیت در کوزوو بسیار شبیه به یک پروژه‌ی دولت‌سازی است. ایجاد تشکیلات پلیسی، برگزاری انتخابات و اعزام نیروهای نظامی به کوزوو از جمله مواردی است که در مورد اکراین چندین موضوعیتی ندارد.

در خصوص اقدامات پس از بحران و پاسداری از صلح، امکان مقایسه تطبیقی وجود ندارد چراکه در کوزوو علاوه بر ایولکس^۱ که از طرف اتحادیه اروپا فعالیت می‌کند، نیروهای «کی فور»^۲ که براساس مأموریت ناتو به وجود آمده‌اند نیز مشغول فعالیت‌اند و امکان تفکیک نتیجه حاصله مابین دو سازمان نیاز به پژوهشی جداگانه دارد. اما با توجه به این‌که مأموریت KFOR تمرکز بر رفع خشونت‌ها دارد و مأموریت EULEX بر حاکمیت قانون، می‌توان با مقایسه شاخص‌های صلح

1. European Union Rule of Law Mission in Kosovo (EULEX)

2. Kosovo Force (KFOR)